

گرامی
باد

سی و یکم خرداد ماه

سومین سالگرد شهادت رفیق سعید معینی (خانۀ)

ریزازی کومه له

روز پیشمرگ کومه له

سازمان ما "روز پیشمرگ کومه له" اعلام گردیده است، تادرسهایی از ایمان و استقامت و فداکاری گه این رفیق بقیه در صفحه ۲

(منطقه ماوت کردستان عراق) بدست مزدوران رژیم فاشیست بعث به شهادت رسید . رفیق " سعید معینی " اولین پیشمرگ و اولین شهید کومه له بود . بهمین مناسبت روزی و یکم خرداد را روزی

سه سال قبل در سرگاه سوزی یکم خرداد ماه ، رفیق سعید معینی (خانۀ) عضو کومه له در جریان یک نبردنا برابر همراه ۷ تن دیگر از همزمانی در نزدیکی روستای " دری "

پیشمرگان کومه له در شهر ریوان طی دو نوبت قهرمانانه :
 ۱- تخریب اوزیر و های دشمن
 ۲- به هلاکت رساننده و تخریب از آنها را زخمی نمودند .
 ۳- مقداری سلاح و مهمات دشمن را تصرف نمودند .

۶۰/۳/۲۴ - بعد از ظهر این روز ۲ دسته از پیشمرگان کومه له در ۷ کیلومتری شهر ریوان به سمت پایگاههای " قلہ امام " و " تومار " بقیه در صفحه ۲

پیشمرگان کومه له پایگاه ارتشی و پاسداران مستقر در گوک تپه مها باد ، را با سلاحهای سنگین درهم کوبیدند .
 در این عملیات فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران ارومیه بهلاکت رسید .

۶۰/۳/۲۷ - پیشمرگان کومه له در این روز ساعت ۷/۵ بعد از ظهر پایگاه ارتشی و پاسداران مستقر در " گوک تپه " در جاده مها باد - میان دو آب را با خمپاره ۱۲۰ و دیگر سلاحهای سنگین درهم کوبیدند . دشمن سراسیمه مواضع خود را رها کرده و با تانکهای مستقر در " تپه " بداخل ده عقب نشینی کرد . در اثر این حمله پیشمرگان فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران ارومیه وعده ای دیگر از ارتشیان و پاسداران بقیه در صفحه ۳

«خیرات» جنگ ایران و عراق برای روستائیان میوان

سازمان ما بارها اعلام داشته است که جنگ ارتجاعی ایران و عراق شمرده‌ای جزویرانی و خانه‌خرابی و کشتار برای زحمتکشان دربر ندارد. و همواره تلاش نموده است ماهیت واقعی این جنگ ضدانقلابی را افشا نماید.

روزیهای ضدانقلابی ایران و عراق با کشتار شدن جنگ به منطقه میوان باعث ویرانی مناطق مسکونی، آوارگی مردم کشتار زحمتکشان شده‌اند.

اخباری که از منطقه میوان بدست ما رسیده، بخوبی موقعیت زحمتکشان را شرح جنگ ارتجاعی ایران و عراق نشان میدهد. و از طرفی رژیم جمهوری اسلامی هر فرصت غنایستری که پیدا میکند، به دهکده‌های منطقه هجوم آورده و با آوارها با توپ و خمپاره میکوبد.

۶۰/۳/۱۲ - برای توپ باران و خمپاره باران هر دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق ۳ نفر (یک مرد و دو زن) در روستای «کاکل» را مورد حمله قرار دادند و یک خانه میسکونی ویران شد.

۶۰/۳/۱۳ - رژیم ارتجاعی ایران، سمدت باعث، با توپ و خمپاره روستای «کاکل» را مورد حمله قرار داده و بر اثر این حمله مردم روستا آواره شده‌اند. این حمله کشته نداشت.

۶۰/۳/۲۹ - یک جوان جوان بنام «احمد فرزند حسین» ساکن روستای «مخمله» در اثر خمپاره باران و توپ باران رژیم ضدانقلابی عراق به شهادت رسید.

۶۰/۳/۲۹ - بر اثر خمپاره باران رژیم ضدانقلابی عراق، یک نفر کشتار و ز، بنام «احمد فرزند حسین» شهرویه «شاه کهره» ساکن «سید» پائین زخمی گردید.

۶۰/۳/۲۸ - برای چندمین بار روستای «سید پائین» مورد حمله خمپاره‌ی عراق قرار گرفت. یک نفر آواره‌ی روستای «مخمله» بنام صالح صمد» به شهادت رسید.

خبرها باد - بقیه از صفحه ۱!

کشته و زخمی شدند. دشمن تمام ساعت ۱/۵ بعد از نصف شب به تیراندازی می‌هدف برداخته دیوانه و ارا طرف خود را گلوله باران می‌نمود بی‌شمرگان بعد از تمام عملیات سالم و با نظم انقلابی به پایگاههای خود بازگشتند.



به یاد انقلابی پیگیر، پیشمرگ فداکار کومه‌له کاک احمد مصطفی سلطانی پنجمین شهید از

خانواده مصطفی سلطانی



کاک احمد مصطفی سلطانی در سال ۱۳۳۵ در روستای «المانی» میوان متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی و متوسط را در همان روستا و شهر میوان تا سوم متوسطه ادامه داد. پس از آن برای ادامه تحصیلات به اشدانشرای مقدماتی سقر رفت. کاک احمد در دوران دانشکده همیشه در اعتراضات و مبارزات دمکراتیک بر ضد رژیم نقش فعالی را بر زنده‌ای را ایفا می‌نمود و از هیچ فرصتی برای بالابردن آگاهی می‌سوتناهی نمی‌گردد. در دوران قبل از قیام خونین خلقهای ایران علیه رژیم مزدور شاه فعالانه در این مبارزات شرکت نمود. بعد از قیام در سواد حفاظتی میوان که ستادی دمکراتیک بود، شرکت نمود و به هنگام تشکیل اتحادیه دهقانان در میوان، با آن همکاری نزدیک و فعالی داشت.

کاک احمد در دوران اول جنبش مقاومت در ارتباط نزدیک و تشکیلاتی با کومه‌له در روستای «دهری» به شغل آموزشی مشغول بود. توده‌های زحمتکشان این روستا و منطقه هیچگاه زحمات و کوششهای سنا نه‌روز، او را که مقام در بالابردن آگاهی و شکل آسان برای مبارزه بر ضد فئودالها و مترجمین کوششها را دنخواهند برسد.

کاک احمد در انجام وظایف سنگینی که در قبال جنبش مقاومت بعهدده داشت بطور خستگی ناپذیر و با آگاهی کامل برای انجام هر ساموری از هیچ گونه فداکاری و جان‌بازی دریغ نمی‌ورید.

بعد از یورش دوم رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی به کردستان کاک احمد مسئول کار تشکیلاتی در چند روستای اطراف زادگاه خود بود ولی بدلیل بی بودن جاشها و مترجمین به فعالیتها بی‌مجبور شد علناً به مبارزه‌ی خود ادامه دهد و به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست. وی که یک انقلابی پیگیر بود، همیشه برای بالابردن آگاهی خود و پیشمرگان و انجام فعالیتهای انقلابی از تمام استعدادها و توان خود بهره می‌گرفت. و در انجام سخت‌ترین ما موریت هیا پیشقدم بود. و همواره با روحیه‌ای عالی و انقلابی به استقبال کارها می‌رفت و در سواد آموزشی و بالابردن آگاهی سیاسی پیشمرگان، بی‌گمانه کوشش میکرد و مسئولیت کلان موزی یل شهیدا من را بعهدده داشت.

سرانجام کاک احمد در تاریخ ۶۰/۳/۲۶ در حمله‌ی جاشها و با سداران به روستای «هه‌جینه» به شهادت رسید. وی بعد از شهید کاک فواد، کاک امین، کاک حسین و کاک ناصر مصطفی سلطانی پنجمین شهید این خانواده است کاک احمد در آخرین لحظات زندگی سرا سرمایه‌ارز و بی‌افتخارش به همزمانش گفت: «همانطوریکه من جان خود را در راه آرمان طبقه‌ی کارگر فدا کردم از شما میخواهم که این راه را ادامه دهید».

مردم شهر - که از این جنا بیست آشکار بشدت متنفر شده بودند اعتراض کرده برای ون از فرماندار شهر تقاضای مجازات میکنند. فرماندار نیز بدین حال سخنان عوام مقربانته خود را بین عمل رایه‌دند انقلاب، نسبت میدهد.

۶۰/۳/۲۸ - ۱۱ صبح در میدان رحمانی میماند - همین جاش - دیوانه و ارا طرف مردم بی‌دفاع تیراندازی میکنند که در نتیجه آن ۵ نفر شهید و ۹ نفر زخمی می‌شوند. گویا دو نفر از زخمی‌ها نیز در اثر شدت زخم‌ها در تریده‌اند. یکی از این دو نفر جوانی ۱۳ ساله است. چنانچه ملاحظه می‌کنید در

آزادی جنایت و کشتار

از خیرات سال قانون

خمینی!

۶۰/۳/۱۸ قبل از ظهر این روز، در فاصله بین چهار راه آزادی و چهار راه پولوی سرا با وظیفه‌ای بنام علی اشکار - اهل مها باد - که در حال مرخصی بود توسط یکی از جاش‌ها، جنایت بی‌شمار رژیم در مها باد - بنام خالد عراقی - دستگیر و در سواد «میکائیل» این شهر اعدام میشود.

ادامه - روز پیشمرگه کومه له

شهید در مبارزه برای بیداری زحمتکشان و علیه قدرتها و ضد انقلابی بها داده است سرمشق همه پیشمرگان کومه له قرار گیرد و این روز یادآور زندگی افتخار آفرین همه پیشمرگان شهید باشد.

پیشمرگان ما از زندگی و مبارزات رفیق "سعید معینی" این درس تاریخی را یاد گرفته اند که هیچگاه قدرت خود را برخلاف مصالح توده ها بکار نبرند و همواره سیاست دفاع از منافع کارگران و خلقها را پیشرو تفنگها بمانند. آنها یاد گرفته اند که همواره در آموزش سیاسی خود و زحمتکشان بکوشند و تلاش نمایند که به کارهای سیاسی

آگاه و فعال و با ایمان تبدیل گردند. تجربه انقلابهای دنیا این واقعیت را نشان میدهد که هر نیروی مسلحی که ارتباطش با توده ها قطع و یا ضعیف گردد، نه تنها قادر نخواهد بود که در جهت مصالح آنان حرکت کند، بلکه به سر بارشان نیز تبدیل خواهد شد.

روز پیشمرگه کومه له "بیادمان می آورد که از زندگی شهید کاک سعید و سردیگ به پیشروا و مدینه کدیگ می گویم کومه له درس وفاداری ما به و آگاهانه کارگران و زحمتکشان و رابطه فشرده با آنان را با ما موزیم پیشمرگان ما مبلغ وحدت مبارزاتی خلقها به گرد پرولتاریا و انقلابی ایران هستند و با یاد این پیوند را روز به روز مستحکمتر نمایند. کاک سعید بر بنیاد چنین پیوندی پشتمانه ای بوده که توانست ۱۶ ماه شکنجه و حبس را به خود روا کند و با اوک را تحمل کند و دم بر نیاید و در نا آخری لحظه حیاتش همچون کوهی استوار در میدان مبارزه علیه ستامران ایستادگی کند. بیاد نخستین شهید و پیشمرگه کومه له را با شرکت هر چه فعالانه تر در مبارزه گرامی می داریم.

ادامه - خبرهای مریوان

به کمین دشمن نشستند. در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر یک جیب فرماندهی با ۴ سرنشین به کمین پیشمرگان می افتد. پیشمرگان در یک متروی نرا به رگبار میبندند، که در نتیجه جیب از جا ده منحرف و هر چه را نفر سرنشین آن کشته میشوند. در این عملیات جیورانیه ۴ قبضه زخمی و تعدادی خراب و فستک و یک دستگاه بیسیم همراه مقادیری مدارک و کاورت شناسایی بدست پیشمرگان افتاد. پیشمرگان بعد از زکارت انداختن ماشین، با روحیه ای عالی و بطور منظم عقب نشینی می نمایند و در مسیر خود مورد استقبال گرم اهالی روستا ها و وارگان ساکنین روستاها قرار میگیرند. این عملیات در حالی انجام می

گردد که رژیم مزدور به بهانه ای جنگ

با عراق ستونهای زیادی را به مریوان اعزام میدارد. طبق خبرهای رسیده اکثرین میتوان گفت که تعداد دپا سداران، بسیج و ارتشیان در این شهر از جمعیت بومی شهر بیشتر است و رژیم در طول جاده مریوان - "بیه کهره" که فقط ۱۵ کیلومتر است، با گذشتن چندین پایگاه، در تمام تپه ها و کوههای اطراف مسیر آن مستقر گردیده است. پیشمرگان کومه له توانسته اند در یک کیلومتری پایگاه "ژمار"

این ضربه را به مزدوران وارد آوردند. این عملیات موفقیت آمیز پیشمرگان کومه له پرر و حبه های اهالی شهر و روستا های منطقه تا شیر زیادی بجای گذاشته و دشمن را غافلگیر و سراسیمه نموده است.



● ۶۰/۳/۲۶ سرگاه این روز جا شها در روستای "هه حنه" را که در نجا دودسته از پیشمرگان کومه له استراحت میکردند، محاصره میکنند.

در سه روز پیشمرگان با کمین جا شها و با کمک روستا روبرو شدند، چند نفر از پیشمرگان به محض اطلاع از وجود دشمن، آنانرا مورد حمله قرار دادند و به رگبار میبندند. بطوریکه پای سداران و جا شها تا چند دقیقه نتوان تیراندازی را از دست میدهند و بقیه پیشمرگان فوراً خود را به تپه های اطراف آبادی رسانده و دشمن را از هر طرف مورد حمله قرار میدهند بطوریکه با جا شها و سداران در آمیخته و با پرتاب نارنجک دستی ۳ نفر از جا شها را زخمی نموده و قسمتهایی از مواضع آنانرا تصرف مینمایند و چندین بار آنرا به آتش سوی رودخانه جلو آبادی فراری داده و خود در این تپه ها مستقر گردیدند. در این هنگام یکی از پیشمرگان انقلابی و فداکار کومه له بنا مکاک "احمد مصطفی سلطانی" به شهادت رسید. با روشن شدن هوا، تعداد زیادی جا شها و سداران سیمرغ و کالیبره ۵۰ بکمک مزدوران آمدند و درگیری شدت پیدا کرد. پیشمرگان مجدداً نیروهای دشمن را مورد حمله قرار دادند و ۲ نفر دیگر از نیروهای دشمن را بشدت زخمی نمودند بطوریکه توان حرکت نداشتند. جا شها و سداران چندین بار کوشیدند تا بلکه بتوانند دو جا شهمی را نجات دهند اما هر بار مورد حمله پیشمرگان قرار گرفته و بالاخره با سیر قرار دادن اهالی روستا، زخمیها را از میدان نبرد خارج کردند.

در ساعت ۷ صبح مزدوران رژیم از پایگاه "قهلاجی" چند گلوله خمپاره بطرف روستای "هه حنه" پرتاب کردند. چند تن از مزدوران که در تلاش یا فتن جنازه شهید احمد

بودند با دفاع قهرمانانه پیشمرگان

روبرو شدند و مجبور به فرار گردیدند. درگیری که از ساعت ۲ صبح آغاز شده بود در ساعت ۸/۵ صبح با فرار مزدوران بی پایان رسید و پیشمرگان آنها را تا تپه های مشرف به روستای "المانه" تعقیب نمودند. به دنبال فرار سداران و جا شها، پیشمرگان پیروز مندانه وارد روستا شده و مورد استقبال گرم اهالی قرار گرفتند.

در ساعت ۶ صبح این روز عده ای از همین مزدوران که نتوانسته بودند وارد روستا شوند، از طریق بلندگوش چندین بار سعی کردند اهالی را به مسجد حقا رنما بیاورند. وقتیکه مردم به حرف سداران و جا شها وقعی ننهادند، مزدوران و قبیحانه به جلو خا نه ها حمله و با لگد و قنداق تفنگ درها را با زکوره و با زور عده کمی را در مسجد جمع نمودند. مزدوران رژیم مردم میخواستند تا حتماً با آنها بیایند. پیشمرگان در خانه ها شان استراحت کرده بودند، بی اختیار بکسره حصار در مسجد بیایا خاسته و میگویند

پیشمرگان در خانه همگی ما بودند و با اعتراض بعد از ۱۰ دقیقه مسجد ترک میگویند.

افراد دشمن تا سزاگوییان بار دیگر اهالی را به مسجد میخوانند. زحمتکشان میگویند که ما دیگر تحمل این حرفها و توهینهای شما را نداریم. زنان مبارز روستا در این جریان نقش فعالی داشتند و هنگام وارد شدن جا شها و سداران به روستا آنها را به با دنا سزا گرفتند. وقتیکه نیروهای سرکوبگر رژیم بکفر از اهالی را دستگیر و کتک کاری نمودند، زنان و کودکان به آنها اعتراض نموده و شخص مزبور را از دست جاشها پس میگیرند. مزدوران رژیم با وجود اینکه نتوانستند تمام آبادی را بگیرند، به غارت ۳ خانه پرداختند و موازین ذخائر روستایان را در شرابیطیکه کردستان بیش از ۱۴ ماه در محاصره اقتصادی میباشند و روستایان بکمبود ما محتاج ضروری خود روبرو هستند، غارت نموده و آنرا با ماشین و تراکتور با خود بردند. زنان این روستا و روستای "المانه" به آنها حمله کرده و مقادیری از وسائل را پس گرفتند.

در طول درگیریها اهالی روستاهای "نژا" که از جریان با خبر شده بودند با روحیه عالی به کمک پیشمرگان شتافتند و با آوردن نان به سنگرها و حمله و روشن کردن نیروهای دشمن، همدوش پیشمرگان در فراری دادن آنها به پیشمرگان بیاری رساندند. نگاه همراه صدها نفر از اهالی روستاهای اطراف جنازه شهید کاک احمد مصطفی سلطانی را به گورستان "ناله سوار" بردند و در جای دیگر شهیدای کومه له بخاک سپردند.

این عملیات در حالی انجام می

پیام شیخ غزالدین حسینی دربارهٔ بحران درونی هیأت حاکمهٔ جمهوری اسلامی ایران .

شیخ عزا لدین حسینی در تاریخ ۲۸/۳/۶۰، طی اعلامیه‌ای با عنوان فوق نقطه نظرات خویش را در زمینه تحولات سیاسی ایران اعلام داشت . در زیر بخش‌هایی از اعلامیه فوق را ملاحظه میکنید .

سبب آشکار شدن اختلافات جناحی درون هیأت حاکمه ما صریح و روشن موضع خود را در قبال آنها اعلام نمودیم و از همان آغاز ایجاد توهم نسبت به هر کدام از جناحها خود داری کردیم . بنی صدر از همان ابتدای شرکت در حکومت در مجموعهٔ عملکردهای هیأت حاکمه سهیم بوده است . چه کسی ترا وایل روی کار آمدن رژیم به ناحق مسئولیت تجر به طلبی و به دامان شوروی با امریکا افتادن کردستان را مطرح کرد ؟ چه کسی در برابر هجوم به آزادی مطبوعات و بیان اجتماعات سکوت میکرد ؟ چه کسی به هنگام حمله به دانشگاهها یاری دهندهٔ سپاهیان جهل و استبداد بود ؟ چه کسی نقش اصلی سرکوب خلق توکمن را بر عهده داشت ؟ در فرماندهی کل قوا چه کسی فرمان داد که رتشیان تاپاک کردن کردستان از "وجود یاقیان" بند پوتین هارا با زن کنند ؟ در حقیقت یاری دادن به پیشبرد سیاستهای ضد مردمی جناح حزب جمهوری موجب تقویت و تسلط کامل آنها بر اوضاع شد تا جا نیکه اینک دیگر خود بنی صدر و دوستانش نیز قربانی جاه طلبیهای سردمداران این حزب شده‌اند . "من اعان ظا لما ساطه الله علیه" .

مردم مسلمان مبارز ! نیروهای انقلابی ! آزادخواهان سراسر ایران ! خلق رزمندهٔ کرد علی‌رغم محاصرهٔ اقتصادی ، بمبارانها ، قتلعامها ، اعدامهای دسته جمعی ، زندانی کردنها و شکنجه‌ها با شرکت هر چه وسیعتر خود در صفوف جنبش مقاومت همچنان استوار و مقاوم در برابر دیکتاتوری و سرکوب ایستادگی میکنند و هیأت حاکمه را در اجرای همهٔ سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی اش در کردستان ناکام گذاشته است . کردستان به سنگر آزادی و دمکراسی در ایران تبدیل شده است .

بیشمرگان قهرمان کردستان با مقاومت خود در برابر تهاجم سرکوبگران ، با افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم و با بسیج توده‌های مردم برای دست گرفتن امور خویش ، در حقیقت بسوی دمکراسی گام برداشته و در همان حال هیأت حاکمه را در تثبیت حاکمیت ضد دمکراتیک در سراسر ایران به عقب میرانند . اکنون که استقلال و آزادی ایران در معرض خطر قرار گرفته و امکان سقوط ایران به یک دورهٔ جدید از استبداد و اختناق وجود دارد و هیچ انسان آزادیخواهی نمیتواند نسبت به آنچه اکنون در ایران میگذرد بی تفاوت بماند ، پیش از این بسوی



شماره قبل خبرنا که نیز به اطلاعتان رسانده ایم ، رژیم جمهوری اسلامی جناستارانی چون خالد عراقی را بجان مردم بی دفاع انداخته است و جناستارانی که هر لحظه همسوس کردند ، سینه‌هایی را برای نشان دادن گرفتار و سوراخ کردن بنیاد می‌کنند . اینست سال "قانون" و خیر و برکات "خمینی" !

بمباران وحشیانه روستاهای آران سیرت توسط میگهای رژیم مزدور عراق .

در ساعت ۳/۴۵ دقیقه روز ۱۴/۳/۶۰ دو فروند میگ عراقی ، روستاهای منطقه آران (سردشت) ، را بمباران کردند . میگهای روستاهای بیژوی ، "تیپهت" "پروان" را مورد حمله قرار دادند . در بیژوی بیشتر بمبها به خارج روستا افتاد و خسارت جدی نداشت . ولی در "تیپهت" یک نوجوان بنام علی محمودزاده ، در اثر جراحت وارده ، به شفاقت رسید ، و دو نفر دیگر زخمی شدند که حال یکی از آنها وخیم است . در این بمباران خسارت مالی فراوانی به مزارع منطقه وارد آمده است .

ضربات پیشمرگان کومله بر پایگاه ارتش در سراسر سقز

۶۰/۳/۲۳ ارتش و پاسداران مستقر در پایگاه شبه نزدیک روستای "سرا" را با سلاحهای سنگین مورد حمله قرار دادند . در این حمله به دشمن تلفاتی وارد آمد . از میزان دقیق تلفات دشمن آمار دقیقی در دست نیست . فردای آن روز آمبولانسها ، کشته‌وزخمیها را به بیمارستان سقز حمل کردند . مدتی است مزدوران رژیم وحشیانه تر مناطق اطراف سقز را ، مورد یورش قرار داده و تصمیم دارند سال "قانون" جمهوری اسلامی را به سال کشتار وحشیانه تر مردم بی دفاع تبدیل نمایند .

«خیرات» جنگ ایران و عراق برای روستائیان مریوان

سازمان ما بارها اعلام داشته است که جنگ ارتجاعی ایران و عراق شمره ای جزوی از بی و خانه خرابی و کشتار برای زحمتکشان دربر ندارد و همواره تلاش نموده است تا ماهیت واقعی این جنگ فدا انقلابی را افشا نماید.

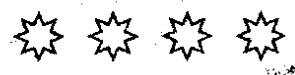
رژیمهای فدا انقلابی ایران و عراق با کشتن جنگ به منطقه مریوان و با عت ویرانی مناطق مسکونی و آوارگی مردم و کشتار زحمتکشان شده اند.

اخباری که از منطقه مریوان بدست ما رسیده، بخوبی موقعیت زحمتکشان را شرح جنگ ارتجاعی ایران و عراق نشان میدهد. و طرفی رژیم جمهوری اسلامی طرفی بی ستری که پید میکند، به دهات منطقه هجوم آورده و با آنها رابا توپ و خمپاره میکوبد.

- ۶۰/۲/۱۲ - بر اثر توپ باران و خمپاره باران هر دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق ۳ نفر (یک مرد و دو زن) در روستای "بهره رخش" زخمی شده و یک خانگی مسکونی ویران شد.
- ۶۰/۲/۱۲ - رژیم ارتجاعی ایران، بمدت ۳ ساعت، با توپ و خمپاره روستای "گاگل" را مورد حمله قرار داده و بر اثر این حمله مردم روستا آواره شده اند. این حمله کشته نداشته است.
- ۶۰/۲/۲۹ - یک جوان جوان بنام "احمد فرزند حسین" ساکن روستای "مخمله" در اثر خمپاره باران و توپ باران رژیم فدا انقلابی عراق به شهادت رسید.
- ۶۰/۲/۲۹ - بر اثر خمپاره باران رژیم فدا انقلابی عراق، یک نفر کما روز، بنام "احمد فرزند حسین" مشهور به "شحه کوزه" ساکن "سیف پائین" زخمی گردید.
- ۶۰/۲/۲۸ - برای چندمین بار روستای "سیف پائین" مورد حمله خمپاره ای عراق قرار گرفت. یک نفر آواره ای روستای "مخمله" بنام "صالح صمد" به شهادت رسید.

خبر مهم باد - بقیه از صفحه ۱!

کشته و زخمی شدند. دشمن تنها ساعت ۵/۵ بعد از نصف شب به تیراندازی بی هدف پرداخته دیوانه و ارا طرف خود را گلوله باران نمینموده پیشمرگان بعد از اتمام عملیات سالم و با نظم انقلابی به پایگاههای خود بازگشتند.



به یاد انقلابی پیگیر، پیشمرگ فدا کار کومه له کاک احمد مصطفی سلطانی پنجمین شهید از

مزارده مصطفی سلطانی



احمد مصطفی سلطانی در سال ۱۳۳۵ در روستای "الماتقی" متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی و متوسط را در همان روستا و در سن ۱۰ سالگی متوسطه ادامه داد. پس از آن برای ادامه تحصیل به انشیرای مقدماتی سقر رفت. کاک احمد در دوران تحصیل در انشیرا در اعتراضات و مبارزات دمکراتیک بر ضد رژیم نقش فعالی را ایفا نمود و از هیچ فرصتی برای بالابردن مبارزات خود دریغ نکرد. در دوران قبل از قیام خونین خلقیهای شاه فعالیتها در این مبارزات شرکت نمود. بعد از قیام در سال ۱۳۵۷ در روستای مریوان که ستادی دمکراتیک بود، کاک احمد در تشکیل اتحادیه دهقانان مریوان، بسا فعالی داشت.

در دوران جنبش مقاومت در ارتباط نزدیک و فعال با گروه "دهزی" به شکل آموزگاری مشغول بود. توده های زحمتکش این روستا و منطقه هیچگاه زحمات و کوششهای شانه روز او را که مدام در بالابردن آگاهی و تشکل آنان برای مبارزه بر ضد فئودالها و مرتجعین، کوشیدند و از یاد نخواهند کرد.

کاک احمد در انجام وظایف سنگینی که در قبال جنبش مقاومت بعهده داشت بطور خستگی ناپذیر و با آگاهی کامل برای انجام هر ساموریتی از هیچ گونه فداکاری و جان بازی دریغ نمی ورید. بعد از یورش دوم رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی به کردستان کاک احمد مسئول کار تشکلاتی در چند روستای اطراف زادگاه خود بود ولی بدلیل بی بردن جاشها و مرتجعین به فعالیتهاش، مجبور شد علنیاً به مبارزه خود ادامه دهد و به صف پیشمرگان کومه له پیوست. وی که یک انقلابی پیگیر بود، همیشه برای بالابردن آگاهی خود و پیشمرگان و انجام فعالیتهای انقلابی از تمام استعدادها و توان خود بهره میگرفت و در انجام سخت ترین ما موریتها با پیشقدم بود. همواره با روحیه ای عالی و انقلابی به استقبال کارها میگرفت و در سواد آموزی و بالابردن آگاهی سیاسی پیشمرگان، پیگیرانه کوشش میکرد و مسئولیت کلاس سواد آموزی پل شهید امین را بعهده داشت.

سرانجام کاک احمد در تاریخ ۶۰/۲/۲۶ در حمله ای جاشها و با سداران به روستای "مخمنه" به شهادت رسید.

وی بعد از شهادت کاک فواد، کاک امین، کاک حسین و کساک نام مصطفی سلطانی پنجمین شهید این خانواده است. کاک احمد در آخرین لحظات زندگی بر سر مبارزه و پرافتخارش به همزمانش گفت: "همانطوریکه من جان خود را در راه آرمان طبقه کارگر فدا کردم از شما میخواهم که این راه را ادامه دهید".

آزادی جنایت و کشتار از خیرات "سال قانون"

خمینی!

● ۶۰/۲/۱۸ قبل از ظهر امروز، در فاصله بین چهار راه آزادی و چهار راه مولوی سربا وظیفه ای بنام علی اشکار - اهل مها باد - که در حال مرضی بود توسط یکی از جاش های جنایت پیشه رژیم در مها باد - بنام خالدیراقی - دستگیر و در بنام "میکائیل" این شهر اعدام میشود.

مردم شهر - که از این جنایت است آشکار بشدت متنفر شده بودند اعتراض کرده برای ویز از فرماندار شهر تقاضای مجازات میکنند. قوتاندار نیز بدنبال سخنان عوام فریبانه خود این عمل را به ضد انقلاب نسبت میدهد.

۱۵ روز بعد یعنی بتاريخ ۶۰/۲/۲۸ ساعت ۱۱ صبح در میدان جامی مهاباد - خمین جاش - دیوانه و ارا به طرف مردم بیدفاع تیراندازی میکنند که در نتیجه آن ۵ نفر شهید و ۹ نفر زخمی میشوند. گویا دو نفر از زخمی ها نیز در اثر شدت زخم شهید شده اند. یکوا ز این دونفر جوانی ۱۲ ساله است. چنانچه صلاحه می کنین و در

پیام شیخ غزالدین حسینی درباره

بحران درونی هیأت حاکمه جمهوری



اسلامی ایران

شیخ غزالدین حسینی در سخنرانی خود با عنوان فوق در نشست هیأت حاکمه جمهوری ایران اعلام داشت: «... در این نشست ها من در مورد این موضوع صحبت کردم و با آنکه این اختلالات چنانچه در هیأت حاکمه ما صریح و روشن موضوع شده است، ما در این موردیم و از همان آغاز ایجاد توهم نسبت به هرکدام از این هیأت ها بوداری کردیم. بنی صدر از همان ابتدای شرکت در حکومت در مجموعه عملکرد های هیأت حاکمه سهیم بوده است. چه کسی تراوایل روی کار آمدن رژیم به ناحق مسئله تجزیه طلبی و به دامان شوروی با آمریکا افتادن کردستان را مطرح کرد؟ چه کسی در برابر هجوم به آزادی مطبوعات و بیان اجتماعات سکوت میکرد؟ چه کسی به هنگام حمله به دانشگاهها یاری دهنده سپاهیان جهل و استبداد بود؟ چه کسی نقش اصلی سرکوب خلق ترکمن را برعهده داشت؟ در فرماندهی کل قوا چه کسی فرمان داد که رتشیان تا پاک کردن کردستان از وجود یانگیان بند یوتین هارابا زن نکنند؟ در حقیقت یاری دادن به پیشبرد سیاستهای ضد مردمی جناح حزب جمهوری موجب تقویت و تسلط کامل آنها بر اوضاع شد تا جاییکه دیگر خود بنی صدر و دوستانش نیز قربانی جاه طلبیهای سردمداران این حزب شده اند. «من اعان ظالمین سلطه الله علیه»

مردم مسلمان مبارز! نیروهای انقلابی! آزاد بخوان سراسر ایران! خلق رزمنده! کرد علیوم محاصره اقتصادی، بمبارانها، قتل عامها، اعدامهای دسته جمعی، زندانی کردنها و شکنجهها با شرکت هر چه وسیعتر خود در صفوف جنبش مقاومت همچنان استوار و مقاوم در برابر دیکتاتوری و سرکوب استبدادگی میکند و هیأت حاکمه را در اجرای همه سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی اش در کردستان ناکام گذاشته است. کردستان به سنگر آزادی و دموکراسی در ایران تبدیل شده است. پیشمرگان قهرمان کردستان با مقاومت خود در برابر تهاجم سرکوبگران با افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم و با بسیج توده های مردم برای دست گرفتن امور خویش، در حقیقت بسوی دموکراسی گام برداشته و در همان حال هیأت حاکمه را در تثبیت حاکمیت ضد دموکراتیک در سراسر ایران به عقب میرانند. اکنون که استقلال و آزادی ایران در معرض خطر قرار گرفته و مکان سقوط ایران به یک دوره جدید از استبداد و اختناق وجود دارد و هیچ انسان آزادیخواهی نمیتواند نسبت به آنچه اکنون در ایران میگردد بی تفاوت بماند، پیش از این لزوم

شماره قبل خبرنامه نیز به اطلاعات رسانده ایم، رژیم جمهوری اسلامی جنایتکارانی چون خالدی را بجای مردم بیدفاع انداخته است و جنایتکارانی که هر لحظه همسوس کردند، سینه های را برای نشانه گرفتن و سوراخ کردن بیدامی کنند. اینست سال "قانون" و خبر ویرکات "خمینی"!

بمباران وحشیانه روستاهای آلان سردشت توسط میگهای رژیم مزدور عراق

در ساعت ۳/۴۵ دقیقه روز ۶۰/۳/۱۴ دوفروند میگ عراقی، روستاهای منطقه آلان (سردشت)، را بمباران کردند. میگهای روستاهای "بیژوی"، "تی بهت"، "پروان" را مورد حمله قرار دادند. در "بیژوی" بیشتر بمبها به خارج روستا افتاد و خسارت و خسارت زیادی نداشت. ولی در "تی بهت" یک نوجوان بنام علی محمود زاده، در اثر جراحت وارده، به شهادت رسید. و دو نفر دیگر زخمی شدند که حال یکی از آنها وخیم است. در این بمباران خسارت مالی فراوانی به مزارع منطقه وارد آمده است.

ضربات پیشمرگان کومه له بر پایگاه ارتش در سقز

۶۰/۳/۲۳ - پیشمرگان کومه له ارتش و پاسداران مستقر در "په مخ" شبه نزدیک روستای "سهر" را با سلاحهای سنگین مورد حمله قرار دادند. در این حمله به دشمن، تلفاتی وارد آمد. از میزان دقیق تلفات دشمن آمار دقیقی در دست نیست. فردای آنروز آمبولانسها، کشته و زخمیها را به بیمارستان سقز حمل کردند. مدتی است مزدوران رژیم وحشیانه تر مناطق اطراف سقز را، مورد یورش قرار داده و تصمیم دارند سال قانون "جمهوری اسلامی" را به سال کشتار وحشیانه تر مردم بیدفاع